



چهارشنبه ۲۶ نوامبر

انارگل خوستی

۲۰۲۵

ای نویسنده از برای خدا

من بیچاره که از سواد کافی برخوردار نیستم، برایم بسیار مشکل است تا بدانم که هدف یک تعداد از مضمون نویسان چیست؟

شاید هم با نوشته های ضد و نقیض شان می خواهند به مشوش ساختن افکار نسل های بعدی مشغول باشند و یا اینکه چیزک هائی در لابلای آن ها نهفته است که دانستن آن کاریست بس مشکل. (مشکل نبوده، بلکه هم بسیار ساده و راحت است، فقط اندکی دقت و تحمل به کار است.)

شخصی در وبسایت معلوم الحال که به اصطلاح، مسجد گرم و گدا آسوده، لانه پرچمی ها و خلقی ها و طرفداران شان شده است و نوشته های ضد و نقیض آنان به شاخی باد می شود، گویا تمرین نویسندگی نموده است که در مورد درنگ می کنیم.

به تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵، نوشته را خواندم تحت عنوان «حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تاریخ یک خیانت سازمان یافته»:

خواندن آن برایم بسیار قناعت بخش بود و با خود گفتم خوب است که این وبسایت، نوشته هائی را که از آن بوی صداقت و راستی در مورد حزب خائنین و مزدوران به مشام می رسد را نیز بعضاً به نشر می رساند. (به این میگویند راه گم نمودن یا آب را گل آلود کردن و ماهی مطلوب گرفتن) اما و مگر دیری از نشر نوشته فوق الذکر نگذشته بود که همین شخص برعکس نوشته قبلی خود از یکی از اعضای برجسته و بلند پایه آن حزبک ناکام به مدحیه سرایی به طور ذیل پرداخت:

«دروود بر سیستانی گرامی،

اندیشمندی فرهیخته، محقق ژرف نگر، نویسنده ای حقیقت جو و انسان دوست است، او با صداقت، پاکیزه گی فکری، وقار، فروتنی، و اراده استوار شناخته می شود. شخصیتش الهام بخش، گفتارش سنجیده، قلمش پرتوان، و حضورش امید بخش است.

او در مسیر دانایی، همچون چراغی فروزان، راه جستجوگران حقیقت را روشن می سازد. تلاش بی پایانش برای پاسداری از هویت، فرهنگ، تاریخ، و ارزش های انسانی، او را به الگویی والا بدل کرده است. سیستانی با روحی آرام، قلبی مهربان، نگاهی باز، و زبانی نرم، به هر سخنش عمق، به هر نوشته اش اعتبار، و به هر گامش معنا می بخشد.

او نمونه کم نظیری از شرافت، اصالت، نجابت، و تعهد است. حضور او در عرصه دانش و فرهنگ، مایه دلگرمی اهل اندیشه است و آثارش چون گنجینه ای ای ارزنده، نسل های آینده را به شناخت حقیقت، پاسداشت عدالت، احترام به انسان، و پیمودن راه راستی فرا می خواند برای همگان.»

سوال در این است که یا این مضمون نویس همه اعضای این حزبک ناکام را نمی شناسد و یا اینکه در زیر کاسه، نیم کاسه یی وجود دارد. زیرا اوصافی را که برای یک شخص که یکی از اعضای بلند پایه آن حزب بوده و عضویت بیروی سیاسی(و شورای انقلابی) را عهده دار بود که تصامیم مهم در همه امور در آن دفتر جنایت و خیانت گرفته می شد، و از روزیکه در های این وبسایت به رویش باز شده است، اکثراً در همین وبسایت به تبلیغات حزبی مصروف است، چطور همین مضمون نویس مورد نظر، دو روز قبل از مدحیه سرایی برای یکی از اعضای بلند پایه حزبک مزدور، از خیانت و جنایت آن حزب می نویسد و دو روز بعد دست و آستین برزده از چنل نویس لینن با الفاظی که در بالا ذکر نموده است و من آنرا نقل قول نمودم، به مدحیه سرایی می پردازد. شاید هم این شخص استقرار مزاج ندارد.(تو مرا گل آغا بگو تا من ترا شیر آغا بگویم) و یا هم (کبوتر با کبوتر، باز با باز)

همین مضمون نویس به تاریخ بیست و دوم همین ماه یک مضمون دیگر تحت عنوان «بحران و افول جریان های چپ در افغانستان و جهان» نوشته بود. همچو نوشته ها، از نظر من به چندین کتاب قطور ضرورت دارد و یک مقاله در مورد کاملاً سطحی نگری است.

این نوشته معلوم نیست که از کجا و از کی کاپی شده است ؟ فهمیدن آن نظر به اینکه از دری فرق دارد، اقلاً برای من سخت است.

به همین ترتیب تفاله های حزبک ناکام در هر دو وبسایت های معلوم الحال به چرندیات و تبلیغات مغرضانه شان مصروف هستند و کسی نیست که جلو شان بگیرد، از جمله در یکی از همین وبسایت ها که فعلاً از دو برادر که عضو حزبک ناکام و جنایت کار بودند، یکی از آن دو، از هر موقع استفاده کرده و از جانب داری حزب دریغ نمی کند. چونکه خودش از امتیازات حزبی برخوردار بود و پول های کافی که از حزب خود ذخیره کرده است، برایش کفایت می کند. (مسجد گرم و گدا آسوده)

این اشخاص بی حس یکمراتبه هم شده از ملت سرفراز افغان تقاضای عفو ننمودند، شاید دلیلش بی خاصیتی همین وبسایت هاست که مضامین آلوده به زهر آن ها را نشر می کنند. (هموطن حیف وقت گرانهای تان که به چنان وبسایت های معلوم الحال مراجعه میکنید.)

استقلال خپلواکی: هموطن گرامی! عنوان نوشته شما مربوط می شود به یک شعر مشهور که برای این گونه افراد و اشخاص کم سواد و بدون استقرار مزاج سروده شده است که مطلع کامل آن چنین است:

ای نویسنده از برای خدا

خط نویسی به دیگر فرما

یا خط خوش نویس که خوانده شود

یا خودت همراهی نوشته بیا